



Mashhad University of  
Medical Sciences



Mashhad Center for Studies  
and Development of  
Medical Sciences Education

## Investigating the Factors Influencing the Process of Knowledge Transfer and Sharing Among Faculty Members at Shahid Beheshti University of Medical Sciences in 2023

Somayeh Akbari Farmad<sup>1,2</sup> , Fatemeh Mohammadi<sup>3\*</sup> 

1. Medical sciences educational research center, Mashhad university of medical sciences, Mashhad, Iran.

2. Department of Medical Education, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

3. Department of Medical Education, Department of Medical Education and Learning Technologies Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFO

#### Article type

Research

#### Article history

Received:

Accepted:

#### Keywords

Knowledge Sharing

Knowledge Transfer

Faculty Members,

University of medical sciences



10.22038/hmed.2022.64943.1216

### ABSTRACT

**Introduction:** Knowledge sharing is recognized as one of the key processes in the development and dissemination of knowledge, especially in specialized fields such as higher education and health research. This process not only contributes to the individual growth of faculty members but also plays an effective role in enhancing educational and research quality. In universities, particularly in research institutions within the health sector, understanding the factors affecting knowledge sharing can play a significant role in improving and facilitating this process. However, it seems necessary to thoroughly examine the factors influencing this process among the faculty members of medical universities.

**Materials & Methods:** This descriptive and cross-sectional study aimed to examine the factors affecting knowledge sharing among the faculty members of Shahid Beheshti University of Medical Sciences. The data collection tool was a 50-item questionnaire designed on a 5-point Likert scale. Stratified random sampling was used to select participants from the faculty members of various schools within the university. After data collection, statistical analyses were performed using SPSS software. Method of measuring validity and reliability: The questionnaire of Ghodsian et al. (2019) is a valid and reliable questionnaire (Cronbach's alpha 0.97). The knowledge transfer model consists of two dimensions and 10 components with CFI=0.98, GFI=0.92, and RMSEA=0.062, and has a relatively good fit.

**Results:** A total of 231 questionnaires were completed by faculty members. The majority of participants were female, aged 41-50, holding a Ph.D. degree, and had 11 to 15 years of work experience. The results indicated that factors such as the nature of knowledge, the interaction of knowledge with the university and the environment, and the role of the university and faculty had the most impact on the knowledge-sharing process. The highest average score was attributed to the nature of knowledge, while the interaction between faculty and the environment had the least impact.

**Conclusion:** This study confirmed that knowledge, the university, faculty members, and the environment are among the most important factors affecting knowledge transfer. Creating interdisciplinary environments and appropriate infrastructures can facilitate knowledge sharing. Additionally, facilitating conditions and human resources play a vital role in improving this process.

Cite this paper as:

Name of writer. Article title. Horizon of Medical Education Development. 2026;17(1):1-10

\* Corresponding author: Fatemeh Mohammadi

Address: Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Email: fatemehmohama390@gmail.com





## بررسی عوامل تاثیرگذار بر فرآیند انتقال و اشتراک گذاری دانش بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۴۰۲

سمیه اکبری فارمد<sup>۱</sup>، فاطمه محمدی<sup>۲</sup> 

۱. مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۲. گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۳. گروه آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی و فناوری های یادگیری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله</p> <p>مقاله پژوهشی</p> <p>پیشینه پژوهش</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p>تاریخ پذیرش:</p> <p>کلمات کلیدی:</p> <p>اشتراک گذاری دانش، انتقال دانش، اعضای هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی</p>	<p><b>مقدمه:</b> اشتراک گذاری دانش به عنوان یکی از فرآیندهای کلیدی در توسعه و گسترش دانش، به ویژه در حوزه های تخصصی نظیر آموزش عالی و پژوهش های سلامت، شناخته می شود. در دانشگاه ها، مخصوصاً در نهادهای پژوهشی حوزه سلامت، شناخت عوامل موثر بر اشتراک گذاری دانش می تواند در بهبود و تسهیل این فرآیند نقش بسزایی داشته باشد. با این حال، بررسی دقیق عوامل موثر بر این فرآیند در میان اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ضروری به نظر می رسد.</p> <p><b>روش کار:</b> این مطالعه به صورت توصیفی - مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای ۵۰ سوالی با مقیاس لیکرت ۵ درجه ای بود که روایی و پایایی (آلفای کرونباخ ۰/۹۷) آن در مطالعات قبلی تایید شده است. نمونه گیری به روش تصادفی طبقه ای از میان اعضای هیات علمی دانشکده های مختلف دانشگاه صورت گرفت. پس از جمع آوری داده ها، تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.</p> <p><b>نتایج:</b> تعداد ۲۳۱ پرسشنامه توسط اعضای هیات علمی تکمیل شد. اکثریت شرکت کنندگان در رده سنی ۴۱-۵۰ سال بودند، خانم و دارای مدرک دکترای تخصصی با سابقه خدمت ۱۱ تا ۱۵ سال. نتایج نشان داد که عواملی مانند ذات دانش، تعامل دانش با دانشگاه و محیط، و نقش دانشگاه و اساتید بیشترین تأثیر را بر فرآیند اشتراک گذاری دانش دارند. بالاترین نمره میانگین به ذات دانش اختصاص یافت، در حالی که تعامل بین اساتید و محیط کمترین تأثیر را داشت.</p> <p><b>نتیجه گیری:</b> این مطالعه تأیید کرد که دانش، دانشگاه، اساتید و محیط از مهم ترین عوامل مؤثر بر انتقال دانش هستند. ایجاد محیط های بین رشته ای و زیرساخت های مناسب می تواند اشتراک گذاری دانش را تسهیل کند. همچنین، شرایط تسهیل کننده و نیروی انسانی در بهبود این فرآیند نقش حیاتی دارند.</p>
 <p> 10.22038/hmed.2022.64943.1216</p>	

نحوه ارجاع به این مقاله

Name of writer. Article title. Horizon of Medical Education Development. 2026;17(1):1-10

ایمیل: [fatemehmohama390@gmail.com](mailto:fatemehmohama390@gmail.com)

\*نویسنده مسئول: فاطمه محمدی

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.



## مقدمه

اشتراک گذاری دانش، یکی از مؤلفه‌های اساسی مدیریت دانش، به‌عنوان یک حوزه تحقیقاتی کلیدی از منظر سازمانی در سه دهه گذشته مطرح شده است (۱، ۲). با وجود این، تعریف جامع و کاملاً پذیرفته‌شده‌ای از این مفهوم وجود ندارد و پژوهشگران مختلف هر کدام با دیدگاه خود تعریفی از آن ارائه داده‌اند (۳). آیودل و همکارانش، اشتراک گذاری دانش را به‌عنوان فعالیتی تعریف کرده‌اند که از طریق آن، اطلاعات، مهارت‌ها یا تخصص‌ها میان افراد درون یک سازمان مبادله می‌شود (۴).

بارتول و سربواستاوا این مفهوم را گسترش داده و آن را اقداماتی می‌دانند که در طی آن، اطلاعات مربوطه توسط کارکنان در سراسر سازمان منتشر می‌شود (۵).

لی بر این باور است که اشتراک گذاری دانش، فعالیتی است که در آن افراد در یک فرآیند مشترک، مذاکره و استفاده از دانش، مشارکت دارند (۶). زیмба و همکارانش نیز، اشتراک گذاری دانش را فرآیندی می‌دانند که طی آن افراد دانش فردی خود را با دیگران تبادل کرده و این دانش در سطح سازمانی یا بالاتر منتشر می‌شود، به‌گونه‌ای که افراد با دانش جدید آشنا شده و می‌توانند از تجربیات دیگران بهره‌مند شوند (۷).

در حوزه آموزش، اشتراک گذاری دانش به معنای انتشار یا تبادل دانش، ایده‌ها، تجربیات یا حتی مهارت‌های صریح یا ضمنی از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگر است (۸). امروزه، یادگیری از طریق اشتراک گذاری دانش، یکی از رویکردهای محبوب در آموزش دانشگاهی است (۹). در تمامی تعاریف، افراد درگیر در اشتراک گذاری دانش ملزم به تعامل با یکدیگر به‌صورت حضوری یا مجازی هستند (۸).

اشتراک گذاری دانش به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در اجرای استراتژی‌ها و مدیریت دانش موفق‌تر عمل کنند (۱). هنگامی که دانش به اشتراک گذاشته می‌شود، کارکنان تازه‌وارد می‌توانند به منابع و سرمایه‌های فکری دسترسی پیدا کنند و دانش مرتبط با حرفه را به‌دست آورند، که این امر منجر به بهبود عملکرد حرفه‌ای آنان می‌شود (۱۰).

به‌طور کلی، اشتراک گذاری دانش، چه در سطح سازمانی و چه در سطح فراسازمانی، تأثیر بسزایی بر ارتقای کیفیت

فعالیت‌های تحقیق و توسعه دارد و عملکرد حکمرانی سازمانی را نیز بهبود می‌بخشد. اشتراک گذاری دانش، در عمل، فرآیندی داوطلبانه است و ممکن است کارکنان به دلایل مختلف تمایلی به اشتراک گذاری آن نداشته باشند (۱۱).

درک ناکافی از چگونگی افزایش اشتراک گذاری دانش در سازمان‌ها، ناشی از آگاهی محدود در خصوص عوامل بازدارنده رفتارهای اشتراک گذاری است. در واقع، هم سازمان‌ها و هم کارکنان، با موانعی برای اشتراک دانش مواجه هستند که تمایل آنان به اشتراک گذاری را کاهش می‌دهد (۱۲). بنابراین، برای ارتقای فرآیند اشتراک گذاری دانش، شناسایی و رفع موانع آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

یکی از بخش‌ها و مؤسسه‌هایی که اشتراک گذاری دانش در آن‌ها بسیار حائز اهمیت است، حوزه آموزش عالی است. امروزه دانشگاه‌ها به سمت جهانی شدن پیش می‌روند (۱۳) و اعضای هیئت علمی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان دانشگاه‌ها در تولید و انتقال دانش نقش بسزایی ایفا می‌کنند (۱۴). در نسل پنجم مدیریت دانش، تأکید ویژه‌ای بر انتقال و اشتراک گذاری دانش شده است (۱۵).

با توجه به نقش مهم اساتید در این زمینه، بررسی عوامل و موانع انتقال دانش امری ضروری است. همچنین، تعداد پژوهش‌های محدود در این زمینه نشان‌دهنده مغفول ماندن این حوزه از تحقیق است. بنابراین، محققان این مطالعه، با هدف "تعیین عوامل مؤثر بر انتقال و اشتراک گذاری دانش در اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی"، به انجام پژوهشی پرداختند تا بتوانند با شناسایی عوامل مؤثر، اطلاعات لازم را در اختیار مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی قرار دهند و در نهایت، مداخلات مؤثری برای ارتقای اشتراک گذاری دانش میان اساتید صورت پذیرد.

## روش کار

این مطالعه به‌صورت مقطعی و توصیفی انجام شد. جامعه آماری شامل ۱۳۵۱ عضو هیئت علمی شاغل در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود. برای تعیین حجم نمونه، از نرم‌افزار G\* Power 3.1.2.9 با اندازه اثر ۰,۱۵، خطای ۵ درصد و توان ۰,۹۵ استفاده شد. بر این اساس، حجم

مطالعه به صورت کمی و با هدف کاربردی انجام شد. پس از دریافت کد اخلاق، معرفی نامه، و مجوزهای قانونی از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، پژوهشگر به هر دانشکده مراجعه کرد و نمونه گیری به صورت تصادفی ساده بر اساس معیارهای ورود و خروج انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل اعضای هیئت علمی شاغل در دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود و معیارهای خروج شامل عدم رضایت برای شرکت در مطالعه و تکمیل ناقص پرسشنامه ها بود.

داده ها با روش های آماری توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی، درصد) و استنباطی (آزمون های پارامتری تی مستقل، آنالیز واریانس یک راهه، آزمون های ناپارامتری من-ویتنی و کروسکال-والیس، و تحلیل رگرسیون چندگانه) با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

### یافته ها

در این پژوهش، جمعیت نمونه شامل ۲۳۱ پرسشنامه تکمیل شده از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود. اکثریت شرکت کنندگان در رده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال (۴۸،۱ درصد) و از جنسیت زن (۵۶،۳ درصد) بودند. بیشترین میزان تحصیلات مربوط به دکترای تخصصی (۹۷ درصد) بود و اکثریت اساتید (۲۲،۹ درصد) دارای سابقه خدمت بین ۱۱ تا ۱۵ سال و نوع استخدام رسمی قطعی (۵۴،۵ درصد) داشتند. مرتبه علمی غالب در میان اساتید، استادیار (۵۵ درصد) بود. این نتایج نشان دهنده ترکیب جمعیت شناختی نمونه ای است که بیشتر از اعضای هیئت علمی میانسال، دارای مدرک دکتری، و تجربه کافی در حوزه تخصصی خود بودند.

یافته ها نشان داد که از بین عوامل مورد بررسی در فرآیند انتقال دانش، "ذات دانش" با میانگین ۲۴،۵۲ بالاترین نمره را به دست آورد، که نشان دهنده اهمیت کیفیت و ماهیت دانش در این فرآیند است. از طرفی، "اساتید-احاطه کننده" با میانگین ۱۲،۱۱ کمترین نمره را داشت، که بیانگر نیاز به تقویت ارتباطات و تعاملات مؤثر میان اساتید و محیط های اطراف آنها است. علاوه بر این، عامل "اساتید" نیز با میانگین

نمونه ۲۰۴ نفر محاسبه شد که با احتساب ۱۵ درصد ریزش احتمالی، در نهایت ۲۳۱ نفر به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه گیری به روش تصادفی طبقه ای از دانشکده های مختلف انجام شد. نسبت متناسب هر دانشکده در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. حجم نمونه متناسب هر دانشکده

حجم نمونه	تعداد اعضای هیات علمی	دانشکده
۸	۳۹	بهداشت و ایمنی
۹	۵۴	پرستاری و مامایی
۱۵۱	۸۹۸	پزشکی
۹	۴۶	پیراپزشکی
۱۰	۵۵	داروسازی
۲۲	۱۲۶	دندانپزشکی
۲	۱۰	طب سنتی
۶	۳۷	علوم تغذیه و صنایع غذایی
۸	۴۲	علوم توانبخشی
۳	۱۹	فناوری های نوین
۳	۱۵	مجازی، آموزش پزشکی و مدیریت

ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه "بررسی عوامل تاثیرگذار بر اشتراک گذاری و انتقال دانش اعضای هیئت علمی" قدسیان و همکاران بود که شامل ۵۰ سؤال در مقیاس لیکرت ۵ درجه ای است.

این پرسشنامه دارای دو بعد و ۱۰ مؤلفه است:

- بعد اول شامل عوامل اصلی و پایه ای (ذات دانش، دانشگاه، اساتید، احاطه کننده ها)

- بعد دوم شامل مؤلفه هایی است که از تعامل دو به دوی مؤلفه های اصلی پدید آمده اند (دانش- دانشگاه، دانش- اساتید، دانشگاه- احاطه کننده، دانش- احاطه کننده، اساتید- احاطه کننده و اساتید-دانشگاه). ۴ سؤال آخر پرسشنامه مربوط به نقش واسطه های دانش است.

برای سنجش روایی و پایایی ابزار، از پرسشنامه روا و پایایی قدسیان و همکاران (۱۳۹۸) با آلفای کرونباخ ۰،۹۷ استفاده شد. برازش مدل انتقال دانش با  $GFI=0/92$ ،  $CFI=0/98$ ،  $RMSEA=0/062$  تأیید شد.

مشاهده می‌شود و در ستون دوم ضریب تعیین مدل رگرسیونی را برای این متغیرها در مدل نشان می‌دهد. بدین صورت که ضریب تعیین متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی متغیر دانشگاه، اساتید و دانش ۰,۹۰۵ است یا به عبارت دیگر ۹۰,۵ درصد از تغییرات فرآیند انتقال دانش ناشی از تغییرات دانش، دانشگاه، اساتید و احاطه کننده‌ها است. جدول بعدی، جدول آنالیز واریانس است که با توجه به ورود هر متغیر به مدل، یک رگرسیون جدید انجام داده است.

با توجه به میزان سطح معناداری که پایین تر از ۰/۰۵ است، بنابراین تمامی متغیرهای مذکور تأثیر معناداری بر فرآیند انتقال دانش دارند. پس، فرض صفر که مبتنی بر وجود نداشتن رابطه خطی است، رد می‌شود. آخرین جدول شامل ضرایب رگرسیون با توجه به وارد شدن هر یک از متغیرها می‌باشد.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون متغیر فرآیند انتقال دانش

متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد		سطح معناداری
	ضریب بتا	ضرایب استاندارد	
مقدار ثابت	۰,۵۳۴	۰,۰۷۷	۰,۰۰۱
دانش	۰,۲۱۱	۰,۲۶۲	۰,۰۰۱
دانشگاه	۰,۲۲۵	۰,۲۸۶	۰,۰۰۱
اساتید	۰,۱۵۴	۰,۱۸۲	۰,۰۰۱
احاطه کننده‌ها	۰,۲۸۵	۰,۳۷۶	۰,۰۰۱

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌کنیم، برای متغیر «احاطه کننده‌ها» در معادله رگرسیون مقدار بتا بدست آمده ۰,۳۷۶ است که در سطح ۰,۰۰۱ معنی دار است و این بیانگر این مطلب است که هر واحد افزایش در «احاطه کننده‌ها» به میزان ۳۷,۶ درصد «فرآیند انتقال دانش» را افزایش می‌دهد.

به همین صورت برای متغیرهای دانشگاه، دانش و اساتید به ترتیب به میزان ۲۸,۶، ۲۶,۲ و ۱۸,۲ درصد از واریانس فرآیند انتقال دانش را افزایش می‌دهند. در نهایت با توجه به گام دوم رگرسیون می‌توان معادله رگرسیون را به صورت زیر نوشت: فرآیند انتقال دانش = ۰,۵۳۴ + ۰,۲۶۲ (دانش) + ۰,۲۸۶ (دانشگاه) + ۰,۱۸۲ (اساتید) + ۰,۳۷۶ (احاطه کننده‌ها) نتیجه آزمون دوربین واتسون نشان داده است که ضریب این آزمون بین دامنه استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشته و مورد

۱۵,۸۹ نشان داد که نگرش و تعاملات اساتید نقش مهمی در تسهیل انتقال دانش ایفا می‌کنند. همچنین، بیش از نیمی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برای اکثر عوامل مؤثر بر انتقال دانش، گزینه "موافقم" را انتخاب کردند که بر وجود نگرش مثبت و پذیرش کلی فرآیند انتقال دانش در میان اعضای هیئت علمی تأکید دارد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
دانش	۲,۱۷	۵	۴,۰۹	۰,۵۷	-۰,۴۸۲	-۰,۸۴
دانشگاه	۱,۲	۵	۳,۸۴	۰,۵۹	-۰,۵۲۲	۱,۸۱۷
اساتید	۲	۵	۳,۹۸	۰,۵۴	-۰,۰۵۱	-۰,۶۸۴
احاطه کننده‌ها	۱,۲۵	۵	۳,۸۶	۰,۶۱	-۰,۲۹	۱,۰۷۴
دانش-اساتید	۱	۵	۴	۰,۵۸	-۱,۶۹	۱,۰۰۸
اساتید-دانشگاه	۱,۲	۵	۳,۸۳	۰,۶۴	-۰,۶۱۱	۱,۳۶۷
اساتید-احاطه کننده	۱,۶۷	۵	۴,۰۴	۰,۵۸	-۰,۶۴۷	۱,۱۵۲
دانش-دانشگاه	۱	۵	۳,۹۷	۰,۵۲	-۰,۸۷۲	۱,۳۰۴
دانشگاه-احاطه کننده	۲	۵	۳,۸	۰,۵۹	۰,۱۶۴	-۰,۱۸۱
دانش-احاطه کننده	۱,۲	۵	۳,۹۲	۰,۶۲	-۰,۴۱۸	۱,۳۵۴
واسطه‌های دانشی	۲,۷۵	۵	۴,۴۶	۰,۵۴	-۰,۶۶۳	-۰,۳۶۳

بالاترین میانگین مربوط به "واسطه‌های دانشی" با میانگین ۴,۴۶ و انحراف معیار ۰,۵۴ بود. همچنین، متغیرهای "اساتید-احاطه کننده" و "دانش" نیز با میانگین‌های ۴,۰۴ و ۴,۰۹ می‌باشد. چولگی و کشدگی مقادیر نیز نشان می‌دهند که توزیع نمرات برای بیشتر عوامل، نسبتاً به سمت مقادیر بالاتر تمایل دارد.

در این بخش به بررسی سوال اصلی پژوهش می‌پردازیم: با توجه به نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شده است. با وارد کردن عوامل تاثیرگذار در فرآیند انتقال دانش در مدل رگرسیون چندگانه به ترتیب متغیرها با درجه اهمیت از کم به زیاد نسبت به فرآیند انتقال دانش به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

جدول ۳. مدل رگرسیون برای متغیر فرآیند انتقال دانش

مدل همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تصحیح شده	ضریب تعیین	انحراف معیار	دوربین واتسون
۱	۰,۹۵۲	۰,۹۰۵	۰,۹۰۴	۰,۱۴۳	۱,۸۵۲

با توجه به جدول فوق در ستون اول مقدار ضریب همبستگی دانش، دانشگاه، اساتید و احاطه کننده‌ها با فرآیند انتقال دانش

اشتراک گذاری دانش تأثیر معناداری داشتند. اساتید مرد، با سابقه خدمت بیشتر، نوع استخدام رسمی قطعی، و رتبه علمی بالاتر موانع کمتری در اشتراک گذاری دانش تجربه کردند.

### بحث

این پژوهش با هدف کلی بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرآیند انتقال دانش بین اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد. یافته‌های به دست آمده، نقش و اهمیت عوامل مختلفی را در این فرآیند آشکار ساخت. در ادامه، به بحث در مورد هر یک از این عوامل و مقایسه نتایج با پژوهش‌های مشابه پرداخته می‌شود.

۱. بررسی نقش اساتید در فرآیند انتقال دانش:

نتایج نشان داد که اساتید با میانگین ۳,۹۸ نقش کلیدی در فرآیند انتقال دانش دارند. این یافته حاکی از آن است که تعاملات، تجربیات، و مهارت‌های اساتید تأثیر بسزایی در تسهیل این فرآیند دارند.

برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی، از ابزارهای مؤثری برای ارتقای توانمندی‌های اساتید هستند که می‌توانند به بهبود انتقال دانش منجر شوند. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات قدسیان و همکاران (۱۳۹۸) در دانشگاه علوم پزشکی تهران و آرمون و همکاران<sup>۱</sup> (۱۳۹۶) در دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، که به اهمیت نقش اساتید در انتقال دانش اشاره داشته‌اند، همسو است. شباهت محیط‌های دانشگاهی در ایران احتمالاً باعث شده که این نتایج در دانشگاه‌های مختلف به‌طور مشابهی بروز کند.

۲. کیفیت و ماهیت دانش:

وضعیت عامل "دانش" با میانگین ۴,۰۹ نشان می‌دهد که کیفیت و ماهیت دانش به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی، در فرآیند انتقال دانش اهمیت زیادی دارند. این نتایج با مطالعات خلیل و همکاران (۲۰۱۲) در کویت، که تأکید بر ماهیت کاربردی و به‌روز بودن دانش داشتند، هم‌راستا است. در هر دو مطالعه، دانش کاربردی و به‌روز به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده در انتقال

تأیید قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی خطی بودن رابطه بین دانش، دانشگاه، اساتید و احاطه‌کننده‌ها با احساس فرآیند انتقال دانش با استفاده از نمودار احتمال نرمال تراکمی که احتمال تراکمی مورد انتظار را نشان می‌دهد، استفاده شد. به عبارت دیگر مفروضه خطی بودن رابطه بین متغیرهای احساس فرآیند انتقال دانش با ترکیب خط متغیر دانشگاه، اساتید و دانش به دلیل عدم وجود کجی و کشیدگی قابل ملاحظه، برقرار می‌باشد. در گام بعد مفروضه نرمال بودن عبارت خطا با استفاده از ترسیم نمودار هیستوگرام باقی مانده‌ها استفاده شده است، که نشان دهنده مناسب بودن نمودار می‌باشد.

نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که همه عوامل مرتبط با فرآیند انتقال دانش در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. برای عامل "اساتید"، میانگین نمره ۳,۹۸ به دست آمد، که بالاتر از حد متوسط (۳) است و نشان‌دهنده نقش مثبت و مؤثر اساتید در انتقال دانش است. عامل "دانش" نیز با میانگین ۴,۰۹ تأیید می‌کند که کیفیت و ماهیت دانش در دانشگاه تأثیر مثبت و قابل توجهی بر این فرآیند دارد.

به همین ترتیب، برای عامل "دانش-اساتید" و عامل "دانش-دانشگاه"، به ترتیب با میانگین‌های ۴,۰۰ و ۳,۹۷، وضعیت مطلوبی مشاهده شد، که بر اهمیت تعاملات میان دانش، اساتید، و دانشگاه در تسهیل انتقال دانش تأکید دارد.

عامل "دانشگاه" با میانگین ۳,۸۴ نشان داد که ساختارها و سیاست‌های دانشگاهی نیز نقش مثبتی در این فرآیند دارند. عامل "دانشگاه-اساتید" و عامل "دانشگاه-احاطه‌کننده‌ها" با میانگین‌های ۳,۸۳ و ۳,۸۰ به‌طور مشابه اهمیت تعاملات دانشگاه با اساتید و محیط اطراف را تأیید می‌کنند. برای عوامل "احاطه‌کننده‌ها-دانش" و "احاطه‌کننده‌ها-اساتید"، میانگین‌ها به ترتیب ۳,۹۲ و ۴,۰۴ بودند، که نشان‌دهنده نقش مثبت عوامل محیطی و تعاملات اساتید در انتقال دانش است. همچنین، مشخصات دموگرافیک اساتید (جنسیت، سن، محل خدمت، سابقه خدمت، نوع استخدام، و رتبه علمی) بر موانع

1. Armon et al

دریافتند که پرداختن به مدیریت دانش بدون ساختار مناسب و حمایتی امکانپذیر نیست، سازمان ها باید ساختارهایی را بپذیرند که به آنها اجازه دهد تا حد امکان دانش بیشتری خلق و انتقال دهند. نتایج این پژوهش حاکی از این بود که بین ساختار سازمانی و ابعاد آن (رسمیت، پیچیدگی و تمرکز) با ابعاد مدیریت دانش ارتباط معناداری وجود دارد.

۶. تعامل بین اساتید و دانشگاه:

وضعیت عامل "اساتید-دانشگاه" با میانگین ۳,۸۳ نشان دهنده اهمیت تعاملات بین اساتید و ساختار دانشگاهی است. تقویت همکاریها، مشارکت در فعالیت‌های گروهی، و ارائه مشوق‌هایی برای فعالیت‌های تحقیقاتی مشترک، به عنوان راهکارهای مؤثر در بهبود این تعاملات شناخته می‌شوند. نتایج این پژوهش با مطالعات سیدنظری و همکاران (۱۳۹۶) که به نقش عوامل سازمانی و محیطی در انتقال دانش اشاره داشتند، هم‌راستا است.

۷. نقش عوامل محیطی و احاطه‌کننده‌ها:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل محیطی و تعاملات مرتبط با دانشگاه نیز بر فرآیند انتقال دانش تأثیر دارند. وضعیت عامل "دانشگاه-احاطه‌کننده‌ها" با میانگین ۳,۸۰ و "احاطه‌کننده‌ها-دانش" با میانگین ۳,۹۲ اهمیت ارتباطات بین‌المللی، همکاری با نهادهای خارجی و مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی را برجسته می‌کند. این عوامل می‌توانند تسهیل‌کننده یا بازدارنده فرآیند انتقال دانش باشند. دانشگاه‌ها با توسعه روابط خود با نهادهای بین‌المللی و سایر سازمان‌ها می‌توانند دانش را به صورت مؤثرتر منتقل کنند.

۸. نقش ویژگی‌های دموگرافیک اساتید:

این پژوهش نشان داد که مشخصات دموگرافیک اساتید، مانند جنسیت، سن، سابقه خدمت، نوع استخدام، و رتبه علمی، بر موانع اشتراک‌گذاری دانش تأثیر دارند. مردان و اساتیدی با سابقه خدمت بیشتر و رتبه علمی بالاتر، موانع کمتری در اشتراک‌گذاری دانش تجربه می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج سانتوش و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۶)، در هندوستان همخوانی دارد و نشان می‌دهد که مشخصات فردی و ویژگی‌های

دانش شناسایی شدند. این یافته‌ها تأکید دارند که دانشگاه‌ها باید دانش‌هایی تولید و ترویج کنند که قابلیت انتقال و استفاده بیشتری دارند، درحالی‌که دانش‌های غیرکاربردی یا منسوخ می‌توانند مقاومت بیشتری در برابر انتقال ایجاد کنند.

۳. تعامل بین دانش و اساتید:

وضعیت عامل "دانش-اساتید" با میانگین ۴,۰۰ نشان دهنده اهمیت تعامل بین دانش و اساتید در فرآیند انتقال دانش است. اساتید با داشتن دانش کاربردی و توانمندی‌های علمی، می‌توانند این فرآیند را تسریع کنند. دانشگاه‌ها باید با فراهم کردن محیط‌های آموزشی مناسب و ایجاد فرصت‌های پژوهشی برای اساتید، به بهبود این تعاملات بپردازند. مطالعات مشابه نیز این تعامل را به عنوان یکی از عوامل اصلی در موفقیت فرآیند انتقال دانش معرفی کرده‌اند.

۴. نقش دانشگاه و زیرساخت‌های آن:

نتایج مرتبط با عامل "دانش-دانشگاه" با میانگین ۳,۹۷ اهمیت تعامل بین دانش و زیرساخت‌های دانشگاهی را نشان می‌دهد. این امر بیانگر این است که دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای اصلی در مدیریت و انتقال دانش، نیاز به زیرساخت‌های مناسب، مانند کتابخانه‌های دیجیتال، دسترسی به منابع علمی و شبکه‌های ارتباطی دارند. این یافته‌ها با مطالعات دی و ون در والت<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در غنا همسو هستند که نشان دهنده اهمیت جوامع عملی و زیرساخت‌های محیطی در مدیریت دانش می‌باشند.

۵. تأثیر ساختار و سیاست‌های دانشگاه:

عامل "دانشگاه" با میانگین ۳,۸۴ نشان می‌دهد که ساختار سازمانی، سیاست‌ها، فرهنگ سازمانی، و مدیریت منابع انسانی دانشگاه می‌توانند بر موفقیت یا ناکامی فرآیند انتقال دانش تأثیرگذار باشند. دانشگاه‌هایی با ساختارهای منعطف و فرهنگ سازمانی مثبت، به طور موثرتری انتقال دانش را تقویت می‌کنند. به همین دلیل، بازنگری در ساختارها و سیاست‌های دانشگاهی ضروری به نظر می‌رسد. هم‌راستا با نتایج این مطالعه رحمان سرشت، رادمرد و گلوانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان رابطه ساختار سازمانی و ابعاد مدیریت دانش (مطالعه در معاونت تولید قطعات پرسی شرکت ایرانخودرو)،

3. Santosh et al

2. Day and Van

زیرساخت‌های مناسب، و ایجاد برنامه‌های حمایتی و تشویقی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود فرآیند انتقال دانش در دانشگاه‌ها کمک کند.

از جمله محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به مواردی از قبیل محدود بودن مطالعه به یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی و مشارکت پایین اعضای هیات علمی بالینی اشاره نمود. پیشنهاد می‌شود که مطالعات بعدی به صورت بررسی و مقایسه چند دانشگاه، مقایسه بین اعضای هیات علمی پایه و بالینی و همچنین مطالعه کیفی انجام شود.

### تقدیر و تشکر

مطالعه حاضر مستخرج از پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته آموزش پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌باشد. محققان بر خود لازم می‌دانند که از تمام اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که در تکمیل پرسشنامه‌ها تیم پژوهش را یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایند.

### تضاد منافع

در این مطالعه هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

### حمایت مالی

در این مطالعه حمایت مالی وجود ندارد.

### ملاحظات اخلاقی

این پژوهش دارای کداخلاق (IR.SBMU.SME.REC.1402.049) از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است. پیش از شروع مطالعه، اهداف و روش کار به‌طور کامل برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت‌نامه آگاهانه کتبی از آنان دریافت گردید. همچنین، تمامی اطلاعات شخصی و خصوصی شرکت‌کنندگان به‌صورت محرمانه نگهداری شد و این پژوهش هیچ‌گونه مغایرتی با موازین دینی و فرهنگی جامعه نداشت.

جمعیت‌شناختی اساتید به‌عنوان عوامل مهم در فرآیند اشتراک گذاری دانش شناخته می‌شوند.

بالاترین میانگین مربوط به "واسطه‌های دانشی" با میانگین ۴,۴۶ و انحراف معیار ۰,۵۴ بود، که نشان‌دهنده اهمیت بالای این عامل در فرآیند انتقال دانش است. همچنین، متغیرهای "اساتید-احاطه‌کننده" و "دانش" نیز با میانگین‌های ۴,۰۴ و ۴,۰۹ به ترتیب، تأکید می‌کنند که تعاملات میان اساتید و احاطه‌کننده‌ها و کیفیت دانش از عوامل کلیدی در این فرآیند هستند. چولگی و کشیدگی مقادیر نیز نشان می‌دهند که توزیع نمرات برای بیشتر عوامل، نسبتاً به سمت مقادیر بالاتر تمایل دارد.

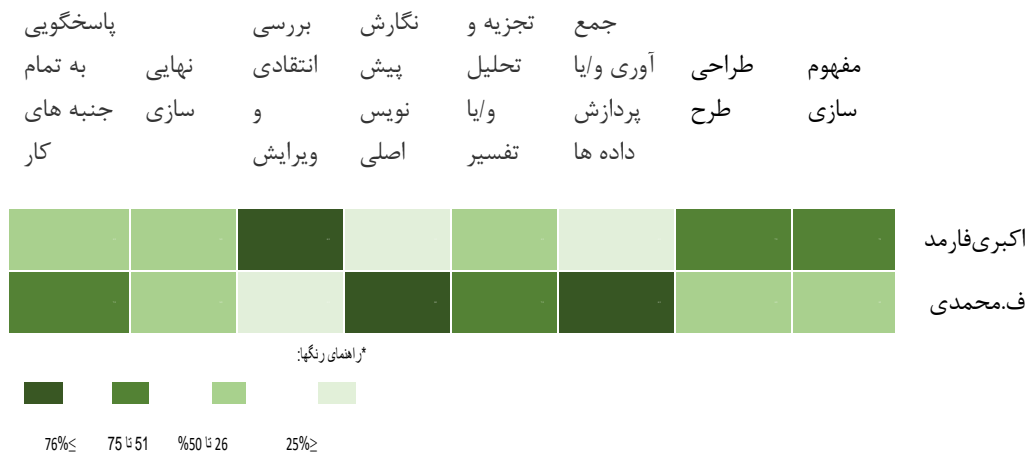
در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان دادند که عوامل مختلف، از جمله اساتید، کیفیت دانش، زیرساخت‌های دانشگاهی، و عوامل محیطی، نقش حیاتی در فرآیند انتقال دانش دارند. مقایسه نتایج با مطالعات مشابه حاکی از آن است که این عوامل در محیط‌های دانشگاهی مختلف به‌طور مشابهی تأثیرگذار هستند.

اختلافات در نتایج ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، ساختارهای سازمانی، و سطح توسعه‌یافتگی دانشگاه‌ها باشد. به‌عنوان مثال، در برخی مطالعات خارجی، ترس از افشای دانش به‌عنوان مانع اصلی اشتراک‌گذاری دانش شناخته شده است؛ در حالی که در این پژوهش چنین موردی مشاهده نشد که ممکن است به تفاوت‌های فرهنگی و میزان اعتماد در محیط‌های دانشگاهی مربوط باشد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که مؤثرترین عوامل در فرآیند انتقال دانش توسط اعضای هیئت علمی به‌ترتیب شامل دانش، دانشگاه، اساتید و احاطه‌کننده‌ها است. یک محیط بین‌رشته‌ای با تنوع تخصصی، می‌تواند اشتراک‌گذاری دانش را افزایش دهد و بر اهمیت دیدگاه بین‌رشته‌ای و کار تیمی تأکید کند. برقراری نظام‌های تشویقی و ایجاد جو مناسب برای تسهیل اشتراک‌گذاری دانش میان اساتید ضروری است. تقویت مهارت‌های ارتباطی و حرفه‌ای اساتید، دسترسی به

## مشارکت نویسندگان



## References

1. Almeida MV, Soares AL. Knowledge sharing in project-based organizations: Overcoming the informational limbo. *International Journal of Information Management*. 2014;34(6):770-9. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2014.07.003>
2. Rafique GM, Anwar MA. Barriers to knowledge sharing among medical students in Pakistan. *Journal of Hospital Librarianship*. 2019;19(3):235-47. <https://doi.org/10.1080/15323269.2019.1628566>
3. Rafique GM, Anwar MA. Motivating knowledge sharing among undergraduate medical students of the University of Lahore, Pakistan. *Journal of Information & Knowledge Management*. 2017;16(04):1750041. <https://doi.org/10.1142/S0219649217500411>
4. Ayodele FO, Yao L, Haron HB, Juan SH, editors. Review on knowledge sharing: barriers and motivations. *National Conference for Postgraduate Research*; 2016.
5. Bartol KM, Srivastava A. Encouraging knowledge sharing: The role of organizational reward systems. *Journal of leadership & organizational studies*. 2002;9(1):64-76. <https://doi.org/10.1177/107179190200900105>
6. Li W. Virtual knowledge sharing in a cross-cultural context. *Journal of knowledge management*. 2010;14(1):38-50. <https://doi.org/10.1108/13673271011015552>
7. Ziemia E, Eisenhardt M. Prosumers' eagerness for knowledge sharing with enterprises-a Polish study. *Online Journal of Applied Knowledge Management*. 2014;2(1):40-58.
8. Wei CC, Choy CS, Chew GG, Yen YY. Knowledge sharing patterns of undergraduate students. *Library Review*. 2012.
9. Jain KK, Sandhu MS, Sidhu GK. Knowledge sharing among academic staff: A case study of business schools in Klang Valley, Malaysia. *UCSI Centre for Research Excellence*; 2007.
10. Swanson E, Kim S, Lee S-M, Yang J-J, Lee Y-K. The effect of leader competencies on knowledge sharing and job performance: Social capital theory. *Journal of Hospitality and Tourism Management*. 2020;42:88-96. <https://doi.org/10.1016/j.jhtm.2019.11.004>
11. Araei V. Knowledge sharing as soft organizational governance. *Soft Power Studies*. 2022 Jan 21;11(4):7-27.
12. Karim DN, Majid AHA, editors. Barriers to Knowledge Sharing Among Academics in Tertiary Institutions. *First International Conference on Materials Engineering*

and Management-Management Section (ICMEMm 2018); 2019: Atlantis Press.

13. Khodaverdi H. Globalization of Higher Education in the Third Millennium: Components and Dimensions. *International Relations Researches*. 2012 Sep 22;2(5):133-64.
14. Seif M, Sabet Maharlouei A, Rastegar A, Talebi S. Factors Influencing the Willingness to Share Knowledge among Faculty Members of Shiraz University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 2015;15: 41-50.
15. Ghodsiyan N, Kiarad F. Evaluation and Validation of Factors Affecting Knowledge Transfer and Sharing among Professors Tehran University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 2019 Apr 10;19:410-2

